

بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش سیما بر مخاطبان (مورد مطالعه؛ دانش‌پذیران دانشگاه پیام نور)

مجتبی دستور^۱

چکیده

تلویزیون‌های آموزشی برای رفع نیازهای آموزشی استفاده‌کنندگان، به تهیه و تولید برنامه‌های آموزشی می‌پردازند. نکته مورد توجه در این شبکه‌ها این است که تهیه هر برنامه آموزشی با محتوای دروس همخوانی داشته باشد تا رضایت فراگیران فراهم آید. تحقیق پیش‌رو با این هدف انجام شده است که برنامه‌های آموزشی دروس فراگیر شبکه آموزش سیما تا چه اندازه توانسته بر موفقیت تحصیلی فراگیران در رشته‌های علوم رایانه و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور مرکز شهر ری تأثیر بگذارند. روش اجرای تحقیق، پیمایش بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد فراگیران در دو رشته مذکور از برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش سیما استفاده کرده‌اند. براساس این نتایج و آزمون فرضیه، رابطه معناداری بین تماشای برنامه‌های شبکه آموزش و موفقیت تحصیلی فراگیران وجود دارد. همچنین اگر در برنامه‌های آموزشی به عنصر جذابیت توجه شود، این موفقیت افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: فناوری آموزشی، برنامه‌های آموزشی، شبکه آموزش، موفقیت تحصیلی و مخاطبان.

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه تاجیکستان

مقدمه

امروزه دسترسی به تلویزیون برای همه امکان‌پذیر شده و تحوّل بزرگ در عرصه رسانه‌ها اتفاق افتاده است. اگر چه این تحوّل در ابتدا به‌گونه‌ای آرام شروع شد ولی به‌سرعت گسترش یافت. این تحوّل بزرگ در رسانه‌هایی چون تلویزیون از نمود بیشتری برخوردار بوده است. در واقع تلویزیون با بهره‌گیری از فناوری ماهواره‌ای توانست پیام خود را به اقصی نقاط دنیا برساند و وظایف و نقش‌های خود را در گستره‌ای وسیع تجلّی بخشد و تحوّل عظیمی را در حوزه‌های مختلف رقم زند.

بی‌شک مهمترین تحوّل در عرصه تعلیم و تربیت و آموزش تجلّی یافته است و این تحوّل زمانی آغاز شد که بخشی از وظیفه نهادهای آموزشی به رسانه‌ای چون تلویزیون انتقال یافت و آموزش کلاس با آموزش از طریق این رسانه توأم شد.

یکی از تحولات اساسی حوزه آموزش از یک سو و حوزه رسانه‌ای چون تلویزیون از سوی دیگر، راه‌اندازی شبکه تلویزیونی آموزش است که بر تدریس از طریق این رسانه متمرکز شده است. ظهور این شبکه توانسته است تا حدودی بر حیات آموزشی جامعه در مقاطع مختلف تحصیلی (مدرسه تا دانشگاه) تأثیر بگذارد و نیز برای حل مشکلات نظام فعلی آموزشی نظیر: نابرابری‌های آموزشی، بی‌توجهی به شرایط بومی و ملی تأثیرگذار باشد. اما وضعیت نظام آموزشی ما در شرایط فعلی به‌گونه‌ای است که هنوز دستاوردهای دوران صنعتی را به‌طور کامل تجربه نکرده است. در چنین شرایطی، با فناوری‌های پویا و توانمند امروزی باید نقش مؤثرتری در عرصه آموزش ایفا کرد. به موازات افزایش استفاده از فناوری آموزشی در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف، مهم‌ترین رسانه‌ای که بتواند پاسخگوی مسائل آموزشی از جمله آموزش جمعیت نیازمند تعلیم، رفع کمبود امکانات و فضای آموزشی و اعتبار مالی و انسانی در نظام تعلیم و تربیت باشد، تلویزیون آموزشی است.

پیشرفت تحصیلی افراد جامعه، اصلی‌ترین هدف نهادهای آموزشی و تعلیم و تربیت است که عوامل گوناگونی در آن مؤثر است. این عوامل را می‌توان به دو طیف عوامل فردی و آموزشی تقسیم کرد. عوامل فردی از قبیل: خلاقیت، هوش، انگیزش و

ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های یادگیری را شامل می‌شود، در حالی که عوامل آموزشی شامل: ارائه خدمات برای کنترل، هدایت، نظارت، ارزشیابی و بازدهی آموزشی است. پژوهش‌های انجام شده در کشور ما نشان‌دهنده تأثیر برنامه‌های تلویزیون آموزشی بر مخاطبان آن در سطوح مختلف تحصیلی است. به این ترتیب این دیدگاه مک لوهان یعنی «اعتقاد به تلویزیون به عنوان یک عامل مؤثر قدرتمند بر روی مردمی است که در دوردست‌ها زندگی می‌کنند و نمی‌توانند برای شنیدن درس استاد در کلاس حضور یابند در نظام‌های آموزشی به خصوص نظام آموزش از راه دور که مخاطب‌محور است صورت واقعی به خود گرفته است.» (سرکیسیان، ۱۳۸۰: ۱۳۹)

ظهور رسانه‌ها در امر آموزش، تغییرات فراوانی را در موقعیت و نقش شاگردان و استادان ایجاد کرده است. در واقع ورود تلویزیون به عرصه آموزش، مقوله‌ای تازه به نام یادگیری از طریق رسانه را به وجود آورده است. با ملاحظه تلویزیون‌های آموزشی، مهمترین سؤال‌هایی که به ذهن می‌رسد، این است که این رسانه‌ها دارای چه قدرتی هستند و چه تأثیری را در عرصه آموزش خواهند داشت و برای سازگاری آنها با محیط آموزشی چه تمهیداتی باید اندیشیده شود؟

پیشینه تحقیق در ایران نشان می‌دهد که پژوهش‌ها و مطالعات در خصوص اثرات برنامه‌های آموزشی تلویزیون و کیفیت استفاده از آن از سوی اشخاص و مؤسسات مختلف پژوهشی و آموزشی انجام گرفته است. بیشتر این تحقیقات در نمای کلی به نظرخواهی در مورد کیفیت و میزان استفاده از برنامه‌ها و مشکلات مربوطه پرداخته‌اند و تأثیرگذاری بر آموزش چندان مورد توجه نبوده است. اما در کشورهای دیگر به تأثیرگذاری رسانه‌ها در آموزش توجه شده است.

به طور کلی تلویزیون تأثیرات عمیقی را بر مخاطبان خود می‌گذارد. «کالاها و کلارک»

تلویزیون را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. تلویزیون آموزشی،
۲. تلویزیون فرهنگی،
۳. تلویزیون‌های تجاری و عمومی.

مقصود از تلویزیون آموزشی آن دسته از برنامه‌های آموزشی است که تنها برای آموزش کلاس مطرح است. (احدیان، ۱۳۷۴)

استفاده از تلویزیون آموزشی مزایای متعددی را به همراه دارد از جمله: انتقال برنامه‌های زنده و تصاویر متحرک، تولید برنامه‌های محلی، افزایش دانش رسانه‌ای مخاطبان، آشنایی با آزمایش‌هایی که هزینه گزاف دارند و یا خطرات احتمالی را در پی خواهند داشت، منتفی ساختن اجبار حضور در مدرسه، امکان مشاهده فعالیت‌هایی خاص بدون حضور در کارگاه و محل‌های مورد نیاز و بسیاری مزیت‌های دیگر که ذکر آنها در این جا نمی‌گنجد. اما در کنار مزیت‌های متعددی که برای تلویزیون‌های آموزشی مطرح است، یک نقطه ضعف بزرگ نیز مشاهده می‌شود و آن ارتباط یکجانبه است که فقط از سوی رسانه با مخاطب صورت می‌گیرد و مخاطب نمی‌تواند ارتباطی را با رسانه در لحظه توجه به درس داشته باشد. (احدیان، ۱۳۷۷)

امروزه آموزش از راه دور به تدریج جایگاه خود را در نظام آموزشی باز می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این نوع آموزش انعطاف در زمان و مکان است؛ بدین معنی که فراگیر، از این‌که در یک زمان خاص به یک مکان خاص برای فراگیری مراجعه کند، بی‌نیاز می‌شود.

پیترز به نقل از کیگان (۱۹۸۸) رابطه بین مربی و فراگیر در آموزش از راه دور را به نحو زیر خلاصه کرده است:

- این رابطه به وسیله قواعد فن شناختی کنترل می‌شود (نه به وسیله هنجارهای اجتماعی آن‌گونه که در آموزش رو در رو اتفاق می‌افتد).

- این رابطه به وسیله زبان عاری از هیجان برقرار می‌گردد (نه کلام دو جانبه بین معلم و فراگیر).

- این رابطه مبتنی بر حداقل امکان تحلیل نیازهای یادگیرندگان و هدایت آنان است (نه بر اساس انتظارات مبتنی بر تماس شخصی).

- این رابطه از طریق کارآمدی به هدف‌هایش می‌رسد (و نه از راه کنش متقابل بین شخصی). (سیف، ۱۳۷۱: ۲۶)

ظهور تلویزیون‌های آموزشی، تغییراتی را در موقعیت و نقش آموزگاران ایجاد کرده است. معلم دیگر تنها منبع اطلاعاتی به شمار نمی‌رود ولی می‌تواند نقش خود را به‌عنوان مشاور و تسهیل‌کننده امر یادگیری ایفا کند.

برخی تفاوت‌ها بین سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) با تلویزیون‌های آموزشی را می‌توان در قالب جدول زیر نشان داد:

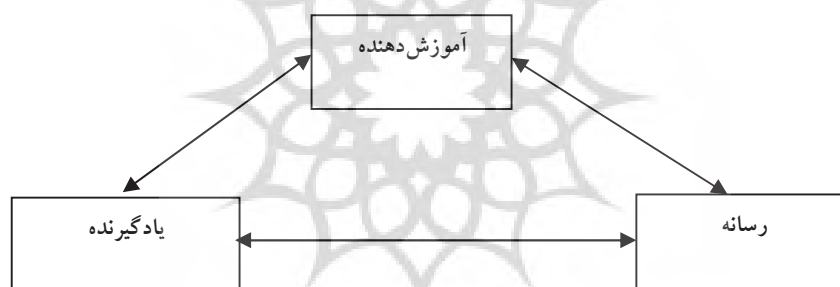
ویژگی‌ها	سازمان‌های آموزشی	تلویزیون‌های آموزشی
شکل ظاهری فعالیت‌ها	فیزیکی و جغرافیایی ثابت	غیرفیزیکی
فرآیند برنامه‌ریزی	پیچیده، معمولی	ساده، تخصصی
حجم ارائه اطلاعات	محدود به معلم	محدود به توان شبکه
گستره فعالیت	محدود به سازمان	بدون مرز
آموزش‌های جنبی	محدود	زیاد
استقلال کاری	وابسته	مستقل

همان‌طور که از اطلاعات جدول فوق برمی‌آید، ویژگی‌های سازمان‌های آموزشی و تلویزیون‌های آموزشی، تفاوت‌هایی با هم دارند که این تفاوت‌ها نتایج مختلفی را در کارکرد آموزشی هر دو خواهد داشت. به‌عنوان مثال گستره فعالیت سازمان‌های آموزشی محدود به حیطه جغرافیایی سازمان است، حال آنکه این گستره برای سازمان‌های رسانه‌ای، بدون مرز بوده و افراد در مناطق مختلف می‌توانند از برنامه‌های آموزشی آن بهره‌مند شوند. از این رو زندگی در دنیای کنونی مستلزم یادگیری و شناسایی راه‌های دسترسی به اطلاعات و دانش است. دلایل متعددی وجود دارد که ما را از توسعه فناوری آموزشی و به‌خصوص رسانه ناگزیر می‌کند. برخی از این دلایل عبارتند از:

- نیاز بیشتر به تعلیم و تربیت،
- نیاز به یادگیری سهل‌الوصول‌تر،
- دوری جستن از روش‌های زمان‌بر و ناکارآمد،
- پرهیز از نژادپرستی علمی و رسیدن به عدالت آموزشی،

• رسیدن به زبان مشترک آموزشی. (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۳۴)
نقش رسانه‌ها در به‌وجود آمدن نظام آموزش از راه دور حائز اهمیت فراوانی است؛ همان‌طور که گانیه^۱ (۱۹۷۰) معتقد است که اکثر رسانه‌ها قادر به ایفای اکثر کارکردهای آموزشی هستند. (مهجور، ۱۳۷۷: ۲۶)

روند تحولات فناوری در سال‌های اخیر می‌تواند عامل مفیدی برای پیش‌بینی آینده باشد. ساده‌ترین پیش‌بینی‌ها از تحولات سریع و تصاعدی مبتنی بر رسانه و رایانه در همه زمینه‌ها به‌خصوص در آموزش حکایت دارد. با این همه می‌توان با احتمال قوی پیش‌بینی کرد که در سال‌های آینده یادگیری و آموزش به سمت آموزش‌های رسانه‌ای، مجازی و خودراهبر حرکت خواهد کرد. این آموزش‌ها بر سه محور اساسی رسانه، یادگیرنده و آموزش‌دهنده متکی است. در واقع سازمان آموزشی با بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی به‌خصوص تلویزیون، معلمان و تکنسین‌های خود را بسیج کرده تا جریان آموزش را از فضایی بسته به فضایی وسیع و گسترده بکشاند تا از این طریق اهداف آموزشی خود را به شکلی منطقی و مثبت تحقق بخشد.



بنا بر این بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی، نوعی رویکرد سیستمی به فرایندهای یادگیری و یاددهی است. «در واقع جریان آموزشی در این سیستم به سه عامل بستگی دارد، ریزبرنامه‌ها و هدف‌های آموزشی که برگرفته از آموزش‌دهنده است، فراگیرنده و انتقال‌دهنده. به عبارت دیگر، از رسانه برای افزایش سطح دانش و مهارت یادگیرندگان

بهره می‌گیرند.» (عالمی، ۱۳۸۱)

مکالوهان به این باور رسیده است که در دنیایی زندگی می‌کنیم که وسایل ارتباطی، آن را برای ما ساخته‌اند. به اعتقاد او وسایل ارتباطی، رابطه و نسبت حواس ما را با یکدیگر برهم زده و فرهنگ دیگری را با خود به ارمغان آورده‌اند. (رشیدپور، ۱۳۵۲: ۱۶)

درباره وظایف اجتماعی وسایل ارتباط جمعی، معتمدنژاد در اثر خود با عنوان وسایل ارتباط جمعی، سه دسته وظایف را یادآور می‌شود:

الف) وظایف خبری و آموزشی،

ب) وظایف راهنمایی و رهبری،

ج) وظایف تفریحی و تبلیغی. (معتمدنژاد، ۱۳۸۵: ۷-۳)

امروزه افراد باید این توانایی را داشته باشند که بتوانند نحوه استفاده از رسانه‌ها را یاد بگیرند تا بتوانند در فرایند اجتماعی مشارکت بیشتری داشته باشند که به عنوان آموزش برای ارتباطات^۱ از آن یاد می‌شود (عصام، ۱۳۸۴: ۱۲۴). نکته دیگر بحث، آموزش رسانه‌ای^۲ است. تربیت رسانه‌ای یعنی این که تا چه حد افراد این قابلیت را پیدا کرده‌اند که بتوانند از رسانه‌ها یاد بگیرند تا پیام‌های رسانه را تحلیل و در برخورد با محتوای آنها، فعالانه عمل کنند. متأسفانه در کشور ما از این مسئله غفلت شده است و کشورهای دیگر در این مسئله سرمایه‌گذاری‌های فراوانی کرده‌اند به طوری که در برخی از کشورها مانند ژاپن، تربیت رسانه‌ای جزء سرفصل‌های درسی دوره آموزش‌های رسمی قرار گرفته است.

البته در زمینه تلویزیون آموزشی اصل بسیار مهم، اصل توجه به نیازها است. در انسان نیاز به یادگیری وجود دارد ولی خود این نیازها نیز متفاوت و متنوع است. از این رو اگر می‌بینیم که افراد کمتر از تلویزیون آموزشی استفاده می‌کنند، شاید به این دلیل باشد که آن برنامه نیاز آموزشی آن‌ها را برطرف نمی‌سازد و از این رو برنامه‌سازان تلویزیون آموزشی باید از نیازهای افراد در جامعه آگاهی کافی داشته باشند و بر اساس سلیقه و علائق مخاطبان خاص خود دست به تولید برنامه بزنند. پس به هیچ عنوان، مخاطبان تلویزیون

-
1. education for communication
 2. media education

آموزشی را با مخاطبان دیگر برنامه‌ها نمی‌توان مقایسه کرد و مقایسه آن‌ها به لحاظ کمی، کاری به شدت اشتباه و غیرعلمی است؛ چرا که مخاطب تلویزیون آموزشی محدود و مشخص است و این نکته بر مسئولیت برنامه‌سازان می‌افزاید چرا که با قشر عام، طرف نیستند پس باید شناخت کافی از مخاطبان خود داشته باشند؛ چرا که در آموزش نیز اصل توجه به فراگیر و شناخت همه جانبه آن، اصل مهمی است. همچنان‌که شرام معتقد است مخاطبان تلویزیون آموزشی محدود هستند: "... اشخاصی که شیفته فرهنگ و اطلاع هستند، تنها در صورتی تلویزیون آموزشی را تماشا خواهند کرد که بتوانند دقیق آنچه را که می‌خواهند ببینند." (سرکیسیان، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

همچنین علاوه بر برنامه‌های تلویزیون تجارتي و تفریحی، می‌توان از برنامه‌های تلویزیون آموزشی نیز بهره برد. تلویزیون تجارتي، رسانه‌ای است که از نظر ماهیت فیزیکی جذاب، ولی از نظر سازمان انسانی محکوم به تکراری بودن و به‌طور عمده سطحی و قالبی بودن است. برنامه‌های تلویزیون تجاری به‌طور عمده مهیج، احساساتی، خشن و کمتر روشنفکرانه هستند و در مقابل، برنامه‌های تلویزیون آموزشی به‌طور عمده متفکرانه و از نظر زیبایی‌شناسی حساس هستند و مخاطبان خاص خود را دارند. (حقیقت کاشانی، ۱۳۷۷: ۲۲۱)

در ایران، شروع فعالیت تلویزیون به ۱۳۳۷ باز می‌گردد که در ابتدا فقط تهران را تحت پوشش داشت (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۱۴۷۷). نخستین فرستنده تلویزیون آموزشی را وزارت آموزش و پرورش در تهران تأسیس کرد؛ پوشش فرستنده این تلویزیون، محدود و فقط در سطح تهران بود و کلیه عوامل تولید آن، کارکنان آموزش و پرورش بودند. ساعت پخش برنامه‌ها، از ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰ بود و از آبان ۱۳۴۶، پخش برنامه در روزهای جمعه نیز آغاز شد. برنامه‌های روزجمعه تلویزیون آموزشی از نوع سرگرم‌کننده بودند. قبل از آن تاریخ، یعنی از آبان ۱۳۴۳، تلویزیون بخش خصوصی، یک ساعت از برنامه‌های بعد از ظهر خود را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار داده بود که طی آن زمان، تدریس دروس متنوع دنبال می‌شد. (همان: ۱۵۳۱)

بعد از انقلاب، پخش برنامه‌های آموزشی در ایران از شبکه ۲ سیما بود که تا سال

۱۳۸۱ که شبکه‌ای مستقل با عنوان شبکه آموزش در ۱۳ مهر راه اندازی شد. شعار اصلی این شبکه فرصت‌های برابر آموزشی است که به لحاظ پوشش تصویری این شبکه در اکثر مراکز استان در سطح کشور و مناطق محروم، تحقق این شعار دور از دسترس نیست و البته همچنان‌که در ابتدا ذکر شد، اهمیت و جایگاه رسانه‌ای چون تلویزیون به لحاظ در دسترس بودن، کم‌هزینه بودن آن برای مخاطبان باید بیش از پیش شناخته شود. برنامه‌ریزی برای تولید متنوع برنامه‌های آموزشی و توجه به علایق و نیازهای مخاطبان نیازمند پژوهش در حوزه‌های برنامه‌سازی است و بعد از پخش برنامه‌ها، اثربخشی آن‌ها باید مورد توجه قرارگیرد و برنامه‌سازان با نقاط قوت و ضعف برنامه‌های تولیدی خود آشنا شوند. یکی از مهم‌ترین نکات در برنامه‌سازی برای تلویزیون آموزشی توجه به رعایت اصول آموزشی و آشنایی با مکاتب یادگیری است و تکنیک‌های هنری که متناسب با مخاطبان می‌باشد. به‌عنوان مثال کالورت^۱ و همکاران (۱۹۷۹) دریافتند که وقتی نکته اصلی برنامه با جلوه‌های ویژه، موسیقی و تحرک ارائه شود، کودکان آن را بهتر یاد می‌گیرند تا این که آن نکته اصلی به‌طور عمده از طریق گفتگوهای کلامی ارائه شوند. (سرکیسیان، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

پخش آزمایشی شبکه آموزش سیما از بهار ۱۳۸۱ شروع ولی پخش قطعی برنامه‌های آن در پاییز ۱۳۸۱ آغاز شد. این شبکه به‌منظور توسعه و بهبود کیفیت آموزش‌های مختلف از طریق امکان دسترسی جامعه به آموزش‌های عمومی و فنی و حرفه‌ای و ترویجی و آموزش‌های عالی و ... آموزش را به امری مستمر و پویا و بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی تبدیل کرده است و با شعار فرصت‌هایی برای اقشار جامعه توانسته است موفقیت‌های بسیار خوبی هم از لحاظ تنوع پخش برنامه‌ها و هم از لحاظ پوشش تصویری در کل کشور کسب کند؛ چرا که رسالت خود را تأکید بر افزایش توان علمی و سطح آگاهی جامعه در راستای توسعه فرهنگی، علمی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی کشور عنوان کرده است.

شبکه آموزش از آغاز به کار خود تاکنون فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای در سطح

وسیع انجام داده است و اهم اهداف عبارتند از:

۱. ایجاد فرصت‌های برابر جامعه با تأکید بر اصل تکمیل کاستی‌های نظام آموزش رسمی کشور از سطح ابتدایی تا عالی به منظور ارتقای کیفی و کمی آموزش‌های رسمی شامل سطوح دانش‌آموزی و دانشجویی،
 ۲. گسترش آموزش‌های عمومی و مهارت‌های زندگی در زمینه‌های گوناگون،
 ۳. فراهم آوردن شرایط مناسب برای آموزش‌های تخصصی به منظور بالا بردن کیفیت مهارت‌های فردی و حرفه‌ای با اصل تکمیل کاستی‌های نظام آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کشور در راستای ارتقای سطح بهره‌وری نیروی کار،
 ۴. ارائه امکانات مناسب رسانه‌ای مورد نیاز بخش دولتی و خصوصی در حوزه آموزش با هدف افزایش کارایی کارکنان دولت،
 ۵. تهیه برنامه‌های مرتبط با برنامه‌ها و دوره‌های تحصیلی مشترک در سراسر نظام آموزش رسمی،
 ۶. تهیه برنامه برای مناطقی که نیاز مبرم به آموزش و پرورش ملی دارند.
- از این رو با توجه به اهداف یاد شده، استفاده از شبکه آموزش هم در چارچوب نظام آموزش رسمی و هم آموزش‌های غیررسمی نیاز است و در آموزش‌های رسمی باید بتواند در بعضی شرایط نقش آموزش مستقیم داشته باشد (برنامه آموزشی دروس فراگیر) و در شرایط دیگر نقش آموزش تکمیلی داشته باشد (کنکور). از این رو شبکه آموزش به طرق مختلف می‌تواند در نظام آموزش رسمی مؤثر باشد.
- همچنین نیاز آموزشی که نوع مخاطبان این شبکه را تعیین می‌کند می‌تواند در رده‌های زیر قرار بگیرند:
۱. مخاطبان حاضر در مؤسسات آموزش رسمی،
 ۲. مخاطبان خاص در خانه،
 ۳. مخاطبان آموزش غیررسمی،
- مخاطبان آموزش رسمی هم به چهار گروه تقسیم می‌شوند:
۱. گروه آموزش عمومی؛ آموزش آشپزی، آموزش والیبال، شنا،...

۲. گروه آموزش عالی؛ دانشگاه پیام نور، دانشگاه علمی و کاربردی ...
۳. گروه آموزش پایه و اساسی؛ کنکور، سطح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان،
۴. گروه آموزش فنی و حرفه‌ای؛ همکاری با سازمان فنی و حرفه‌ای مثلاً آموزش تعمیر موبایل، خودرو ...

رسانه‌ها و به‌خصوص تلویزیون‌های آموزشی از جنبه‌های مختلف بر عملکرد یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان تأثیر دارد. بررسی این تأثیرات سال‌هاست که موضوع پژوهش متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. در این پژوهش‌ها رابطه بین یادگیری و نقش رسانه در یادگیری و موفقیت فراگیران مطالعه شده است. نتیجه این پژوهش‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت بر روی موفقیت فراگیران بوده است. از جمله این نتایج می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رسانه‌های آموزشی میزان یادگیری دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند.
 - این گونه آموزش‌ها، چون بیش از یک حس را در یادگیری سهیم می‌کنند، تأثیر زیادی در یادگیری دارند.
 - استفاده از شبیه‌سازی، عملکرد دروسی نظیر ریاضی را در یادگیری بالا می‌برد.
- از این رو باید به این نکته توجه کرد که از رسانه آموزشی به بهترین شکل برای ایجاد بهترین شرایط و موقعیت یادگیری استفاده کرد و نیز اینکه چه برنامه‌ها و راهبردهایی برای استفاده بهینه از آنها اتخاذ شود.
- بنا بر این سؤال اصلی تحقیق این است که آیا پخش برنامه‌های آموزشی از شبکه آموزش سیما در موفقیت تحصیلی دانشجویان مؤثر است؟
- سؤال اول پژوهش: میزان تأثیر جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی در موفقیت تحصیلی چگونه است؟
- سؤال دوم پژوهش: میزان تأثیر قابل فهم بودن محتوای برنامه آموزشی در موفقیت تحصیلی چگونه است؟
- سؤال سوم پژوهش: میزان تأثیر مطابقت محتوای برنامه آموزشی با محتوای کتب درسی فراگیر و موفقیت تحصیلی چگونه است؟

سؤال چهارم پژوهش: میزان تأثیر تناسب زمان پخش برنامه آموزشی با اوقات فراغت فراگیران در موفقیت تحصیلی چگونه است؟

سؤال پنجم پژوهش: میزان تأثیر پخش منظم برنامه آموزشی شبکه آموزش با موفقیت تحصیلی چگونه است؟

فرضیه اصلی تحقیق: بین تماشای برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش سیما با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین قابل فهم بودن محتوای برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین مطابقت محتوای برنامه آموزشی و مطابقت کتاب درسی با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین تناسب زمان پخش برنامه و اوقات فراغت با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین پخش منظم برنامه‌های آموزشی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

روش

در این تحقیق از روش پیمایش^۱ استفاده شده است تا دستیابی به نظرات و دیدگاه‌های نمونه قابل دسترس امکان پذیر شود. با توجه به عنوان و فرضیه‌ها، این تحقیق از نوع کاربردی است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه هدف از تحقیق، شناسایی علت‌های احتمالی و چگونگی تأثیر آن در تماشای برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش بر روی دانشجویان مورد مطالعه است، این تحقیق کاربردی به حساب می‌آید. همچنین تحقیق را می‌توان توصیفی نیز دانست زیرا تشریح و توصیف شرایط موجود در شناخت

ویژگی‌های برنامه‌های آموزشی تلویزیون از اهداف آن به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق، تمامی دانشجویان رشته علوم رایانه و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور مرکزی است که از طریق آزمون فراگیر در سال ۸۷ پذیرفته شده‌اند و تعداد آنها ۳۲۷ نفر بوده است. به لحاظ اینکه پخش برنامه‌های آموزشی دروس فراگیر شبکه آموزش برای دانشپذیران دانشگاه پیام نور از سال تحصیلی ۸۲ آغاز شده و هدف تحقیق، مطالعه تأثیر تماشای برنامه‌های آموزشی پخش شده از شبکه آموزش بر موفقیت تحصیلی دانشپذیران است، از این رو پذیرفته‌شدگان دو رشته رایانه و علوم تربیتی در یک دوره آموزشی به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند که در مجموع تعداد ۱۱۶ نفر را شامل می‌شود. در این میان تعداد ۹۰ نفر در رشته رایانه و تعداد ۲۶ نفر در رشته علوم تربیتی مشغول تحصیل هستند.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده و برای دستیابی به اعتبار آن به‌عنوان ابزار سنجش از روش اعتبار صوری (مراجعه به کارشناسان برای نهایی ساختن سؤال‌های پرسشنامه) و ضریب آلفای کرانباخ استفاده شده است. به این معنی که قبل از انجام تحقیق اصلی، در یک تحقیق اولیه تعداد ۲۵ نفر از دانشجویان انتخاب و پرسشنامه اصلاح شده در اختیار آنها قرار گرفت و پاسخ‌ها استخراج شد. در این پیش‌آزمون، ضریب α در آزمون کرانباخ برابر با ۰/۷۲ به دست آمد که نشانگر دقیق بودن اصلاحات انجام شده بر روی پرسشنامه بوده است. در پرسشنامه نهایی با توجه به ویژگی‌های خاص برنامه آموزشی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی تهیه شده و مشتمل بر ۲۹ گویه است که ۲۷ گویه آن مربوط به ویژگی‌های برنامه آموزشی است و گویه‌های ۲۸ و ۲۹ در تفسیر و نتیجه‌گیری از پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شده است. در این رتبه‌بندی عدد یک به معنای این است که پاسخ‌دهنده اصلاً به تأثیر برنامه‌های آموزشی بر موفقیت تحصیلی اعتقادی ندارد و عدد ۵، میزان تأثیر تماشای برنامه‌های آموزشی بر موفقیت تحصیلی را تا حد خیلی زیاد نشان می‌دهد. در واقع عددهای ۱ و ۲ به‌عنوان فقدان تأثیرگذاری و عددهای ۳، ۴ و ۵ به‌عنوان تأثیر برنامه‌ها در نظر گرفته شدند.

پس از تعیین اعتبار پرسشنامه، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات چنین بود که پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی فرضیه‌ها آزمون شدند.

یافته‌ها

نتایج این تحقیق نشان داد که توصیف داده‌ها بیانگر این مطلب است که در رشته رایانه تعداد ۶۴ درصد زن بوده و ۳۵ درصد نیز مردان را شامل شده‌اند. در حالی که در رشته علوم تربیتی بیشترین پاسخگویان (۸۷/۵ درصد) زن بوده و کمترین (با ۱۲/۵ درصد) را مردان تشکیل داده‌اند.

از دیگر نتایج تحقیق این بوده که حدود ۴۳ درصد پاسخگویان رشته رایانه سن بین ۱۸ تا ۲۱ سال را دارا بوده و ۷ درصد نیز سن ۳۲ سال به بالا را داشته‌اند، در حالی که این دو طبقه سنی در رشته علوم تربیتی به ترتیب ۳۷/۵ و ۱۲/۵ درصد پاسخگویان را تشکیل داده است.

بررسی داده‌ها بر مبنای چهار ویژگی برنامه‌های آموزشی تلویزیون (جذابیت و گیرایی، قابل فهم بودن، تناسب محتوا با کتاب‌های درسی و پخش منظم برنامه‌ها) نشان می‌دهد که:

۱. ۶۲ درصد فراگیران رشته رایانه معتقد بودند که جذابیت برنامه‌های آموزشی سیما برای آنان از حد متوسط به بالا بوده است، در حالی که ۸۱ درصد از دانشجویان علوم تربیتی چنین نظری داشته‌اند.
۲. حدود ۸۶ درصد از فراگیران رشته رایانه میزان قابل فهم بودن محتوای برنامه‌های آموزشی سیما را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند، در حالی که ۷۵ درصد دانشجویان رشته علوم تربیتی چنین نظری را بیان کرده‌اند.
۳. در خصوص میزان مطابقت مطالب کتاب درسی فراگیران با محتوای برنامه‌های آموزشی سیما در دو رشته رایانه و علوم تربیتی، معلوم شد که ۸۱ درصد فراگیران رشته رایانه این مطابقت را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند، در حالی که

در بین فراگیران علوم تربیتی، حدود ۹۳ درصد آنان میزان مطابقت را متوسط به بالا دانسته‌اند.

۴. ۶۹ درصد فراگیران رشته رایانه و ۸۱ درصد فراگیران رشته علوم تربیتی بیان کرده‌اند که پخش منظم برنامه‌های آموزشی سیما، در برنامه‌ریزی تماشای دروس تأثیرگذار بوده و آنها تمایل بیشتری برای پیگیری دروس از طریق تلویزیون داشته‌اند.

با توجه به نتایج به دست آمده از پرسش‌های تحقیق، آزمون فرضیه‌ها نیز نتایجی را به همراه داشته است؛

الف) در خصوص فرض اصلی یعنی وجود رابطه بین تماشای برنامه‌های آموزشی و موفقیت تحصیلی، نتایج نشان می‌دهد که این رابطه معنادار بوده و چون سطح آزمون $\alpha = 0.05$ از آماره آزمون (محاسبه شده $Z =$ کمتر بوده و به عبارت دیگر مقدار سطح معنی‌داری از سطح آزمون بیشتر بوده، و از این رو فرض رابطه بین تماشای برنامه‌های آموزشی و موفقیت تحصیلی پذیرفته می‌شود.

ب) در مورد فرضیه رابطه بین جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی سیما با موفقیت تحصیلی فراگیران، چون آماره آزمون ($Z = 2/38$) در ناحیه فرض H_0 قرار گرفته است، پس فرض H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد.

ج) در ارتباط با فرض مطابقت محتوای برنامه‌های آموزشی سیما با محتوای کتب درسی در موفقیت تحصیلی فراگیران، باید گفت با وجود این که فرض درباره دانشجویان (فراگیران) رشته رایانه رد شده و فقط در ارتباط با فراگیران علوم تربیتی تأیید شده و چون آماره آزمون ($Z = 1/21$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است، پس فرض صفر در سطح اطمینان ۹۰ درصد پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱)، آزمون فرض آماری بر مبنای فرضیات فرعی و فرضیه اصلی تحقیق به تفکیک رشته تحصیلی و مجموع دو رشته

فرضیه‌های تحقیق	رشته تحصیلی	رشته تحصیلی	$\alpha = 0/05$ $= -1/645$	آماره $Z =$ آزمون	ناحیه H_0 یا H_1	تأیید یا رد فرضیه
فرضیه فرعی اول: جذابیت و گیرایی برنامه و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	0/1785	H_0	تأیید
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	2/23	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	2/38	H_0	تأیید
فرضیه فرعی دوم: قابل فهم بودن برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	4/1	H_0	تأیید
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	3/19	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	3/65	H_0	تأیید
فرضیه فرعی سوم: مطابقت محتوای برنامه آموزشی با محتوای کتاب و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	-2/1	H_1	رد
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	2/04	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	1/12	H_0	تأیید
فرضیه فرعی چهارم: تناسب زمان پخش برنامه با اوقات فراغت و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	1/818	H_0	تأیید
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	2/28	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	3/28	H_0	تأیید
فرضیه فرعی پنجم: پخش منظم برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	-2/98	H_1	رد
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	0/6	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	-0/58	H_1	رد
فرضیه اصلی تحقیق تماشای برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی	علوم رایانه	علوم رایانه	-1/645	0/149	H_0	تأیید
	علوم تربیتی	علوم تربیتی	-1/645	2/15	H_0	تأیید
	مجموع	مجموع	-1/645	2/18	H_0	تأیید

با مشاهده داده‌های جدول فرضیه‌های تحقیق (فرعی و اصلی) به تفکیک در رشته‌های علوم رایانه و علوم تربیتی و مجموع دو رشته مورد بررسی قرار گرفته است

و سپس هر فرضیه، جداگانه تحلیل می‌شود:

در آزمون فرضیه تحقیق، فرض صفر (H_0) دلالت بر وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرها دارد و فرض تحقیق دلالت بر نبود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است: رد فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ به معنای تأیید فرضیه تحقیق و وجود عدم رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است.

فرضیه فرعی اول: بین جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

چون آماره آزمون ($Z = ۲/۳۸$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است پس فرض صفر H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین جذابیت و گیرایی برنامه و موفقیت تحصیلی وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین قابل فهم بودن محتوای برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

چون آماره آزمون ($Z = ۳/۶۵$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است پس فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین قابل فهم بودن محتوای برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی وجود دارد.

چون آماره آزمون ($Z = ۱/۲۱$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است. پس فرض صفر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین مطابقت محتوای برنامه آموزشی و محتوای کتاب درسی با موفقیت تحصیلی وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین تناسب زمان پخش برنامه و اوقات فراغت با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

چون آماره آزمون ($Z = ۳/۲۸$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است. پس فرض صفر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه

معنی‌داری بین تناسب زمان پخش برنامه و اوقات فراغت با موفقیت تحصیلی وجود دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین پخش منظم برنامه‌های آموزشی و موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

چون آماره آزمون ($Z = -0/58$) در ناحیه H_1 قرار می‌گیرد، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که مشاهدات (داده‌ها) دلالت کافی بر تأیید H_0 ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین پخش منظم برنامه آموزشی و موفقیت تحصیلی وجود ندارد.

فرضیه اصلی تحقیق: بین تماشای برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش سیما با موفقیت تحصیلی رابطه وجود دارد.

تحلیل آزمون فرضیه اصلی تحقیق: چون آماره آزمون ($Z = 2/18$) در ناحیه H_0 قرار گرفته است. پس فرض صفر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌داری بین تماشای برنامه‌های آموزشی دروس فراگیر با موفقیت تحصیلی وجود دارد.

در مجموع باید گفت که ویژگی‌های برنامه‌های آموزشی (دروس فراگیر) شبکه آموزش سیما، در موفقیت تحصیلی دانشجویان مؤثر بوده است.

جدول (۲)، توزیع تطبیقی فرضیات فرعی و اصلی در رشته‌های علوم رایانه و علوم تربیتی

رشته تحصیلی	فرضیات فرعی و اصلی	\bar{x}	S	CV درصد	خیلی زیاد / زیاد / متوسط / کم اصلاً درصد
علوم تربیتی	فرضیه فرعی اول	۳/۲۹	۰/۸۳	۲۵/۶۲	۸۳/۳۳
	فرضیه فرعی دوم	۳/۴۶	۰/۹۲	۲۶/۹۹	۸۲/۲۹
	فرضیه فرعی سوم	۳/۲۷	۰/۸۴	۲۵/۹۷	۸۸/۳۷
	فرضیه فرعی چهارم	۳/۳۲	۰/۸۹	۲۷/۷۸	۷۸/۱۳
	فرضیه فرعی پنجم	۳/۰۹	۰/۹۵	۳۷/۱۳	۷۰/۳۱
	فرضیه اصلی	۳/۲۸	۰/۸۸	۲۸/۶۹	۷۸/۴۳
علوم رایانه	فرضیه فرعی اول	۳/۰۱	۰/۵	۱۶/۸۳	۶۷/۱۳
	فرضیه فرعی دوم	۳/۲۳	۰/۵	۱۵/۸۷	۷۳/۷۴
	فرضیه فرعی سوم	۲/۸۸	۰/۵۱	۱۸/۶۵	۷۳/۵۷
	فرضیه فرعی چهارم	۳/۱	۰/۴۹	۱۶/۰۰۲	۷۳/۲۲
	فرضیه فرعی پنجم	۲/۸۳	۰/۵۱	۱۹/۷۲	۵۸/۳۴
	فرضیه اصلی	۳/۰۱	۰/۶	۱۷/۴۱	۶۷/۱۴
مجموع دو رشته (کل)	فرضیه فرعی اول	۳/۱۵	۰/۶۶	۲۱/۲۲	۷۵/۲۳
	فرضیه فرعی دوم	۳/۳۴	۰/۷۱	۲۱/۴۳	۷۸/۰۱
	فرضیه فرعی سوم	۳/۰۷	۰/۶۷	۲۲/۳۱	۸۰/۹۷
	فرضیه فرعی چهارم	۳/۲۱	۰/۶۹	۲۱/۸۹	۷۵/۶۷
	فرضیه فرعی پنجم	۲/۹۶	۰/۷۳	۲۸/۴۲	۶۴/۳۲
	فرضیه اصلی	۳/۱۴	۰/۶۹	۲۳/۰۵	۷۲/۷۸

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین گویه‌ها و میزان تأثیر و فقدان تأثیر برنامه‌های آموزشی به تفکیک فرضیات و رشته تحصیلی و مجموع دو رشته تحلیل شد.

نتیجه‌گیری

سؤال اول پژوهش: میزان تأثیر جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی در موفقیت تحصیلی

چگونه است؟

۷۵/۲۳ درصد دانشجویان معتقدند که جذابیت و گیرایی برنامه‌های آموزشی تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنها داشته است، در حالی که ۲۴/۷۷ درصد معتقدند که جذابیت و گیرایی برنامه آموزشی تأثیری در موفقیت تحصیلی آنها نداشته است.

سؤال دوم پژوهش: میزان تأثیر قابل فهم بودن محتوای برنامه آموزشی در موفقیت تحصیلی چگونه است؟

۷۸/۰۱ درصد از دانشجویان معتقدند که برنامه‌های آموزشی برای آنان قابل فهم بود و تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنها داشته است. در حالی که ۲۱/۹۹ درصد معتقدند که برنامه‌های آموزشی برای آنان قابل فهم نبود و به همین دلیل تأثیری در موفقیت تحصیلی آنان نداشته است.

سؤال سوم پژوهش: میزان تأثیر مطابقت محتوای برنامه آموزشی با محتوای کتب درسی فراگیر و موفقیت تحصیلی چگونه است؟

۸۰/۳ درصد از دانشجویان معتقدند که مطابقت محتوای برنامه‌های آموزشی با محتوای کتب درسی فراگیر تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنها داشته است در حالی که ۱۹/۰۳ درصد معتقدند که محتوای برنامه آموزشی با محتوای کتب درسی فراگیر مطابقت نداشته به همین دلیل تأثیری در موفقیت تحصیلی آنان نداشته است.

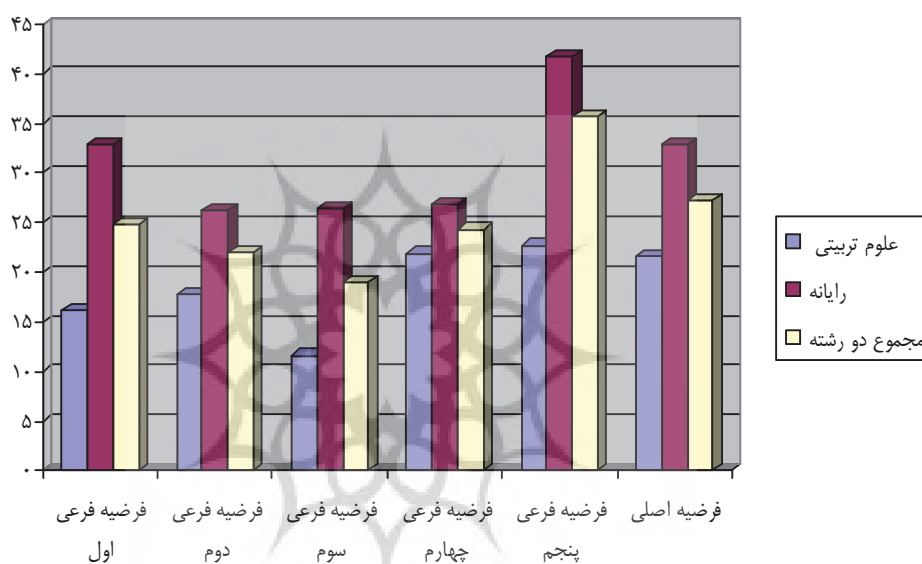
سؤال چهارم پژوهش: میزان تأثیر تناسب زمان پخش برنامه آموزشی با اوقات فراغت فراگیران در موفقیت تحصیلی چگونه است؟

۷۵/۶۷ درصد از دانشجویان معتقدند که تناسب زمان پخش برنامه آموزشی با اوقات فراغت آنان توانسته است تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنها داشته باشد. در حالی که ۲۴/۳۳ درصد معتقدند که زمان پخش برنامه آموزشی با اوقات فراغت آنان تناسبی نداشته به همین دلیل نتوانسته در موفقیت تحصیلی آنها مؤثر باشد.

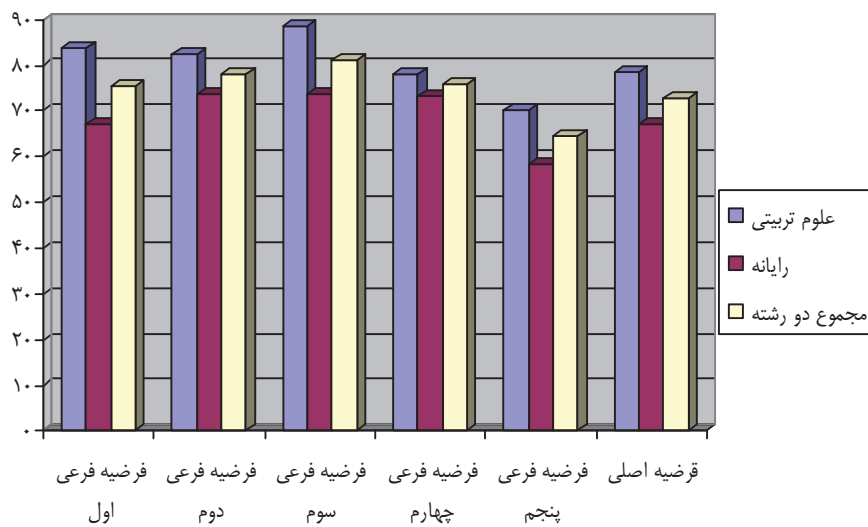
سؤال پنجم پژوهش: میزان تأثیر پخش منظم برنامه آموزشی شبکه آموزش با موفقیت تحصیلی چگونه است؟

۶۴/۳۲ درصد از دانشجویان معتقدند که پخش منظم برنامه‌های آموزشی توانسته

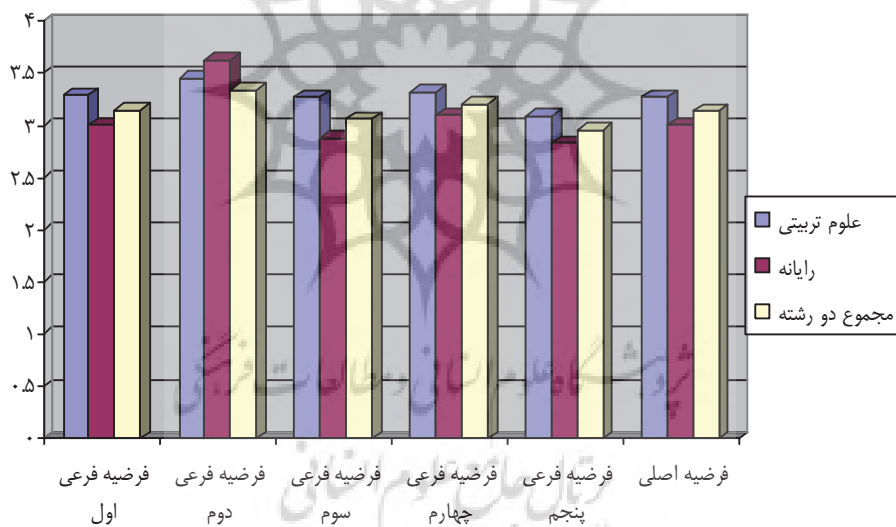
تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنها داشته باشد. در حالی که ۳۵/۶۸ درصد معتقدند که پخش منظم برنامه آموزشی تأثیری در موفقیت آنان نداشته است. سؤال ششم پژوهش: آیا بین نظرات دانشجویان علوم رایانه و علوم تربیتی در خصوص تأثیر برنامه‌های آموزشی موفقیت تحصیلی تفاوتی وجود دارد؟ بلی، چرا که ۷۸/۳۱ درصد از دانشجویان علوم تربیتی معتقدند تماشای برنامه‌های آموزشی شبکه آموزشی تأثیر زیادی در موفقیت تحصیلی آنان داشته است در حالی که ۶۷/۱۴ درصد از دانشجویان رشته علوم رایانه چنین نظری داشتند.



نمودار ۱، فقدان تأثیر تماشای برنامه‌های آموزشی (دروس فراگیر) شبکه آموزش سیما بر موفقیت تحصیلی دانش‌پذیران رشته‌های علوم رایانه و علوم تربیتی و مجموع دو رشته



نمودار ۲، تأثیر تماشای برنامه‌های آموزشی (درس فراگیر) شبکه آموزش سیما بر موفقیت تحصیلی دانش‌پذیران رشته‌های علوم رایانه و علوم تربیتی و مجموع دو رشته



نمودار ۳، توزیع میانگین فرضیه‌های فرعی و اصلی تحقیق در رشته‌های رایانه و علوم تربیتی و مجموع دو رشته

چنانچه ویژگی (متغیرهای) برنامه آموزشی را طیفی از ایجاد تأثیر در موفقیت تحصیلی در نظر بگیریم با افزایش میانگین از حد متوسط، به این نتیجه دست می‌یابیم که تماشای برنامه آموزشی بر موفقیت تحصیلی تأثیر زیادی دارد و بالعکس، کاهش میانگین از حد متوسط، نشان‌دهنده این است که تماشای برنامه آموزشی تأثیر زیادی بر موفقیت تحصیلی ندارد.

پیشنهاد

نتایج به دست آمده (از برخی پرسش‌های تحقیق)، نشانگر این امر هستند که توجه شبکه آموزش به آنها برای اصلاح و تقویت فرآیند آموزشی از طریق این شبکه تأثیرگذار است. در این رابطه پیشنهادهای زیر مورد تأکید هستند:

۱. در تهیه و تولید برنامه‌های آموزشی برای جلب نظر مخاطب، اگر از تصاویر و نماهای گویا و رنگ و نورپردازی و دکور مناسب و یا از انیمیشن مطلوب‌تری استفاده شود، تأثیر بیشتری بر مخاطب خواهد داشت.
 ۲. استفاده از اساتید متخصص و صاحب نظر در تدریس دروس فراگیر که با استفاده از روش‌های نوین تدریس، محتوا را برای مخاطب قابل فهم می‌سازند، مانند ارائه سؤال در پایان هر درس و پاسخگویی به آن در جلسه آینده. این پیشنهادها براساس پاسخ‌های دانشجویان به گویه‌های مربوط به قابل فهم بودن محتوای دروس فراگیر ارائه شده است.
 ۱. در ارائه محتوای دروس فراگیر حضور چند تن از فراگیران علاوه بر ایجاد انگیزه برای مخاطبان می‌تواند به پرسش‌های احتمالی بینندگان پاسخ دهد. پیشنهاد مذکور براساس پاسخ‌های دانشجویان به گویه‌های مربوطه به محتوای برنامه‌های آموزشی (دروس فراگیر) استخراج شده است.
 ۱. مدت زمان ارائه هر موضوع درسی متناسب با نوع رشته و حجم مطالب در نظر گرفته شود.
- این پیشنهاد براساس پاسخ‌های دانشجویان به گویه‌های مربوطه به مدت زمان پخش

محتوای برنامه‌های آموزشی (دروس فراگیر) استخراج شده است.

۱. ساعات پخش برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش سیما باید متناسب با اوقات فراغت فراگیران باشد.

این پیشنهاد براساس پاسخ‌های دانشجویان به گونه‌های مربوطه به تناسب ساعات پخش برنامه‌های آموزشی (دروس فراگیر) و اوقات فراغت فراگیران ارائه شده است.

۱. ایجاد دفتر مشترک بین شبکه آموزش و دانشگاه پیام نور در خصوص تهیه و تولید برنامه‌های آموزشی و پاسخگویی به نیازهای درسی فراگیران از جمله در اختیار قرار دادن مواد و فیلم‌های آموزشی.

۲. ایجاد مرکز ارزشیابی برنامه‌های آموزشی شبکه آموزش به منظور غنی‌سازی و بهبود کیفی برنامه‌های آموزشی.



منابع

- احدیان احمد و داود محمدی (۱۳۷۷). مباحث تخصصی در فناوری آموزشی. تهران: انتشارات ققنوس.
- احدیان، محمد (۱۳۷۴). مقدمات تکنولوژی آموزشی. تهران: نشر و تبلیغ بشیری.
- سرکیسیان، وازگن؛ نیکو، مینو و ایما سعیدیان (۱۳۷۶). رویکرد استفاده و رضامندی. فصلنامه پژوهش و سنجش، سال چهارم، شماره ۱۱.
- عالمی، محمدحسین (۱۳۸۱). فناوری‌های نو در آموزش. مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۱۸، شماره ۳.
- محمدی، فاطمه (۱۳۸۶). ارائه مدل توسعه تکنولوژی آموزشی با رویکرد خود راهبری در یادگیری. کتاب مجموعه مقالات دومین همایش فناوری آموزشی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- Bates, Tony and Ellis, Margaret, (1996), **A Vision statement for distributed learning at UBC**, Retrived on Feb, 2001 from <http://cet.ubc.ca/about/vision/html>.
- Johnson, J.I (1997), **Electronic: learning from audio tape to videodisc**: Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Oblinger, Diana, G. (1999), **Global Education: Thinking creativity**, Retrieved from: http://www.educate.org/conference/papers/global_education.html
- Seels, B. et al (1996), **Research on Learning from Television**; New York: Macmillan.
- Tapsall, s, and Ryan Y, (2001), **Virtual education Institution in Australia**, in Farrell, G. the Development of virtual Education: A Global Perspective, Van couver: Col.